

عنوان مقاله:

میزان ترجمه‌پذیری عناصر فرهنگی و ... در خطبه صدوهشتم از نهج‌البلاغه

محل انتشار:

دو فصلنامه ادب فارسی، دوره 7، شماره 1 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

علیرضا حاجیان نژاد - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

میرفت سلمان - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لاذقیه

خلاصه مقاله:

استعارات، کنایات، تشبیهات، مجاز و ضرب‌المثل‌ها علاوه بر جنبه تخیلی، جنبه فرهنگی نیز دارند. از آنجاکه این تعبیرات آیینی تمام‌نمای تاریخ، فرهنگ و اندیشه در هر جامعه هستند، در حوزه مباحث معاصر ترجمه، توجه صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است. ترجمه عناصر و جنبه‌های فرهنگی گنجانده‌شده در متن، در باور برخی از نظریه‌پردازان معاصر امکان‌پذیر نیست، درحالی‌که برخی دیگر آن را در ضمن چارچوب‌های خاصی ترجمه‌پذیر می‌دانند. این جستار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و براساس مدل ایویر به بررسی، نقد و مقایسه شیوه ترجمه مفاهیم فرهنگی و صورخیال و... موجود در خطبه صدوهشتم نهج‌البلاغه ترجمه‌های فیض‌الاسلام، شهیدی و دشتی می‌پردازد. در این پژوهش تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که ترجمه عناصر فرهنگی از زبان مبدا (عربی) به زبان مقصد (فارسی) چقدر امکان‌پذیر بوده است؟ نتایج این جستار گویای آن است که در بین روش‌های پیشنهادشده برای ترجمه عناصر فرهنگی، روش تلفیقی از ترجمه برابر و معادل در فرهنگ مقصد یکی از موفق‌ترین روش‌هاست، درحالی‌که ترجمه چنین تعابیر به صورت آزاد، تنها نقش کارکردی محض آنها را منعکس می‌کند و ارزش فرهنگی تعابیر را نادیده می‌گیرد.

کلمات کلیدی:

خطبه 108 نهج‌البلاغه، عناصر فرهنگی، استعاره، کنایه، ضرب‌المثل، شیوه‌های ترجمه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1200065>

